علامه محمودالحسن دیوبندی ، اولین دانش آموخته دارالعلوم دیوبند

اولین دانش آموخته دارالعلوم دیوبند، علامه محمودالحسن دیوبندی، متولد سال ۱۲۶۸ق./ ۱۸۵۱م. و فرزند عالم، ادیب و شاعر برجسته، مولانا ذوالفقارعلی دیوبندی (متوفای ۱۳۲۳ق./ ۱۹۰۴م.) است. ایشان در سال ۱۲۹۰ق./ ۱۸۷۳م. از دارالعلوم فارغ التحصیل شد و در همان جا تدریس را آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۰۸هـ/۱۸۹۰م. مدیر گروه تدریس شد.

مولانا محمودالحسن برای آزادی هند از چنگال استعمار انگلیس در سال ۱۳۲۳ق./ ۱۹۰۵م. برنامه های جامع طراحی کرد و تصمیم گرفت برای اجرای آن از حکومت افغانستان و امپراتوری عثمانی کمک بگیرد. ازاین رو تعدادی از شاگردان ممتاز خود را انتخاب و مأموریت هایی به آنان محوّل کرد. از جمله ی این شاگردان می توان به مولانا عبیدالله سندی (متوفای ۱۳۶۳هـ/ ۱۹۴۴م.) و مولانا محمّدمیان منصور انصاری (متوفای ۱۳۶۵ق./ ۱۹۴۶م.) اشاره کرد.

ایشان در راستای تحقق این هدف در مناطق مرزی هند با افغانستان، مراکز امنی را انتخاب کردند که مسلمانان آزاده و ظلم ستیز در آنجا استقرار داشته باشند؛ به ویژه در منطقه ی یاغستان (مناطق آزاد و تحت کنترل قبایل پشتون) که اهالی آن از انگلیس بسیار متنفر بودند و برای تقدیم جان ومال خود آمادگی کامل داشتند. ایشان نخست از میان شاگردانش مولانا فضل ربّی، مولانا سیف الرحمن، مولانا فضل محمود و افراد دیگری را به این مناطق فرستاد. درگیری های پراکنده ای با نیروهای انگلیسی، که از توان نظامی بالایی برخوردار بودند، رخ داد و با وجود برتری نظامی دشمن، مسلمانان به پیروزی هایی دست یافتند. اما مبارزان مسلمان برای یک حمله ی فراگیر و سرنوشت ساز، به نیروی نظامی و مهمّات نیاز داشتند؛ از این رو با شیخ الهند مکاتبه کردند و از ایشان کمک خواستند.

ایشان شاگرد خود علامه عبیدالله سندی را که اندیشمند و سیاستمداری زیرک و توانا بود، به کابل فرستاد و خود شخصاً به طرف استانبول حرکت کرد. در مسیر ابتدا به حجاز رفت و با غالب پاشا (والی حجاز در دولت عثمانی) و انورپاشا (وزیر جنگ و فرمانده کل ارتش عثمانی در جنگ بالکان و جنگ جهانی اول)، و نیز جمال پاشا (از رهبران برجسته ی سیاسی و نظامی امپراتوری عثمانی) و افراد دیگری ملاقات کرد. همه ی این شخصیت ها بر همکاری مالی و نظامی تأکید داشتند. آلمان نیز به خاطر هم پیمانی با ترکیه حاضر به همکاری با ایشان شد. شیخ الهند درصدد بود که با یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده، درست زمانی که بریتانیا در مناطق مختلف مشغول مقابله با نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴- ۱۹۱۸م.) است، با کمک قبایل آزادی خواه مسلمان و پشتیبانی دولت عثمانی و هم پیمانانش، به مواضع دولت انگلیسی هند حمله کند. اما در پی شکست دولت عثمانی در جنگ جهانی اول و دستگیری شیخ الهند توسط شریف حسین (امیر مکّه که علیه امپراتوری عثمانی به پا خواسته و با انگلیس هم پیمان شده بود) و خیانت برخی افراد دیگر و هم چنین افشای نامه های محرمانه ای که بین شیخ الهند و شاگردان و معاونان ایشان رد و بدل می شد (امری که در تاریخ معاصر هند به «تحریک ریشمی رومال» معروف است)، این برنامه عملی نشد.

هدف این جنبش، پایان دادن به استعمار انگلیس نه تنها در هند، بلکه در سایر مستعمرات بریتانیا بود. مولانا محمودالحسن پایگاه هایی را در دهلی و کراچی و چند نقطه ی دیگر در مناطق آزاد قبایلی پشتونشین برای آموزش های نظامی ایجاد کرد و برنامه هایی را برای تحریک هندی های شاغل در نیروهای انگلیسی به شورش و نافرمانی و ایجاد یک انقلاب سراسری در نظر گرفت. ایشان هم چنین در قسطنطنیه، آنکارا، برلین، مدینه ی منوره و برخی شهرهای دیگر، تلاش هایی را انجام داد تا بدین وسیله بتواند دولت ها را در جنگ علیه انگلیس با خود همراه کند و کمک های نظامی و حمایت های معنوی آنان را به دست آورد. ایشان هم چنین برای جلب حمایت از ملت هند، اقدام به ارسال چند هیئت دیپلماتیک به ژاپن، چین، ایالات متحدة آمریکا و فرانسه نمود و حکومت موقت هند را در کابل پایتخت افغانستان ایجاد کرد.

مولانا محمودالحسن در راستای عملی کردن برنامه هایش، با وجود کهولت سِنّ، در سال ۱۳۳۳ق./ ۱۹۱۵م. شخصاً به حجاز سفر کرد و در مدینه ی منوره با مسئولان بلندپایه ی دولت عثمانی دیدار کرد. اما پس از این که حکومت انگلیسی هند از محتوای نامه های محرمانه ی ایشان اطلاع یافت، وی در ماه صفر ۱۳۳۵ق./ نوامبر ۱۹۱۶م. با جمعی از شاگردان و معاونانش از جمله مولانا سید حسین احمد مدنی (متوفای ۱۳۷۷ق./۱۹۵۷م.) دستگیر و به جزیره ی مالت در دریای مدیترانه تبعید و در آنجا زندانی شد. سرانجام پس از سه سال و دو ماه تبعید و زندانی، ایشان در جمادی الثانی ۱۳۳۸ق./ ژانویه ۱۹۲۰م. آزاد شد. مولانا محمودالحسن در بیستم رمضان ۱۳۳۸ق./ برابر با ۹ می۱۹۲۰م. به هند رسید و مردم هند از مسلمان و غیرمسلمان از وی استقبال گرم و بی نظیری کردند و لقب «شیخ الهند» را به ایشان دادند.

ایشان باوجود ضعف و بیماری و عوارض دوران اسارت در غربت، در شهرش دیوبند نماند، بلکه به شهرهای مختلف سفر کرد و در خطبه ها و سخنرانی هایش مردم را به مبارزه علیه استعمار انگلیس و قطع رابطه با آنان فراخواند. در همین دوران به شهر علیگر سفر کرد و دانشگاه ملّی اسلامی (جامعه ی ملّیه اسلامیه) را در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۰م. (۱۶ صفر ۱۳۳۹ق.) پایه گذاری کرد. این دانشگاه بعدها به دهلی منتقل شد و امروزه یکی از دانشگاه های بزرگ هند به حساب می آید.

شیخ الهند مولانا محمودالحسن، قرآن کریم را نیز به زبان اردو ترجمه کرده است که ترجمه ایشان یکی از بهترین و مشهورترین ترجمه های قرآن در زبان اردو است. علامه شبیراحمد عثمانی (متوفای ۱۳۶۹ق./ ۱۹۸۹م.) یکی از شاگردان برجسته ی شیخ الهند، با افزودن تعلیقات مفیدی بر حاشیه ی این ترجمه که به «تفسیر عثمانی» معروف است، بر ارزش و افادیت این اثر افزوده است.

بیماری و ضعف جسمانی مولانا محمودالحسن به تدریج شدّت یافت تا این که صبح ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۹ق./ برابر با ۳۰ نوامبر ۱۹۲۰م. در دهلی داعی اجل را لبیک گفت. روز بعد جنازه ی ایشان با تشییع باشکوهی به دیوبند منتقل گردید و در کنار آرامگاه استاد بزرگوارش امام محمّدقاسم نانوتوی (۱۲۹۷ق./۱۸۸۰م.) در قبرستان «جامعیّه» که بعدها به قبرستان «قاسمیّه» مشهور شد، به خاک سپرده شد.